



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۱۶

استاد نگارگر

کشف، بررسی و انتقادِ باورداشت های دیگران یک چیز است و تحقیر و تمسخر عقیده دیگران چیز دیگر:

دوستی به نام افضلِ افضلی بر صحبتی که من در شهر ایسن جرمنی کرده ام و دوستِ عزیز من جناب ویس ناصری آنرا در صفحه خود گذاشته است تبصره فرموده اند. من جناب افضلی را نمی‌شناسم و به این مسأله هم کاری ندارم که میلان عقیدتی او را بدانم. دوستانی که با استفاده از یوتیوب کوشیده اند تعلق خاطر جناب افضلی را به حزب دموکراتیک خلق ثابت کنند نتیجه کارشان از یک جهت مفید است که نشان میدهد او از موضع خشم و تعصب براسلام می تازد و خشم و تعصب؛ هر دو آدم را از جستار حقیقت به حیث یک شایق حقیقت دور می اندازد. من به یکی دو موضوع که نقطه مرکزی تاخت و تاز جناب افضلی براسلام است میپردازم و بدون هر گونه احساس بغض نسبت به انتقاد کننده و حُب نسبت به موضوع مورد انتقاد با استناد بر حقایق غیر قابل انکار تاریخی و روحیه اسلام بدان دو موضوع می پردازم.

۱ - موضوع آیاتِ مکی و مدنی: در آیاتِ مکی تصمیم و اراده مستحکم معتقدان دین انعکاس یافته و در آیاتِ مدنی ارفاق؛ گذشت؛ مدارا و انعطاف پذیری مسلمانان و این شیوه با نحوه برخورد و مبارزه حزب دموکراتیک خلق از ریشه فرق دارد. روحیه آیاتِ مکی این است که برای مسلمانان ظاهراً ضعیف که برای نشر و همگانی ساختن دین شان صحبت میکند با قوت و صلابتی که دل دشمنان را میلرزاند از پیروزی چاره ناپذیر مسلمانان مژده میدهد و برای کافران غیر از شکست و افتضاح این دنیا عذاب و عقوبت آن دنیا را نیز مطرح می کند ولی در آیاتِ مدنی که هنگام چیدن ثمر پیروزی و حکومت سازی است سیاستِ ارفاق؛ انعطاف و مدارا مورد نیاز است رسول مقبول(ص) منشور مدینه را مطرح می کند یعنی به قول حافظ

آسایشِ دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستانِ مروت؛ با دشمنانِ مدارا

جناب افضلی اگر تاریخ اسلام را از منابع مرجع مطالعه کرده باشند خوب میدانند که پیامبر(ص) و مسلمانان در هنگام فتح مکه از حدِ اعلای ارفاق و مدارا کار گرفتند. من گفتم که این شیوه ارفاق و مدارا درست برخلاف شیوه عمل حزب دموکراتیک خلق بود که رهبران شان در پارلمان شاه با نطق های پُر از طمطراق و هیاهو موضوع دموکراسی و حقوق بشر را مطرح میکردند ولی وقتی به قدرت رسیدند انعطاف و مدارا را کاملاً از یاد بردند و داس استبداد به دست گرفتند و مشغولِ ذرو کردن سرها شدند یعنی برخلاف اسلام «آیاتِ مکی شان» مبتنی بر عجز و لایه بود و «آیاتِ مدنی شان» مبتنی بر خشم و خشونت و همین بود دلیل شکست مفتضحانه و رسوای شان که قبل از قدرت؛ شاهی مشروطه را پذیرفته بودند و شعارشان «مبارزه مسالمت آمیز و قانونی» میدادند ولی بعد از رسیدن به قدرت گرفتار عقده های قدرت شدند و بیخ مردم و در نهایت امر بیخ خود را کشیدند. بدین ترتیب جناب افضلی حق دارد معنای قاطعیت با دشمن غالب و مدارا با دشمن مغلوب را نداند. شهادت و قاطعیت پیامبر دیگر خدا(ج) موسی را به یاد داشته باشیم که بدون یک ذره ترس پیام پروردگار خود را به فرعون آن خدای کاذب میرساند!

۲ - جناب افضلی درباره فتوحات اسلام و برده گیری و کنیزگیری مسلمانان نیز سخن گفته اند و بانوعی احساسات برای بردگان گریبان شکوه و ندبه دریده اند و کاش این گریبان دریدن ها را هنگام قدرت حزب دموکراتیک خلق میکردند و به ایشان میگفتند که آن هزاران معلم؛ داکتر؛ انجنیر و کارگر و کارفرما را که یک جامعه فقیر با هزاران خون دل خوردن و با صرف تمام ثروت اندکی که داشت پرورده بود نگشاید و به صورت برده نگاه دارید که شاید کار همان برده ها نیز به درد آبادی و عمران کشور بخورد. اما احساسات به یک طرف ببینیم حقایق تاریخی چه شهادت میدهد جناب افضلی اگر جاهل نفرمائید میدانید که در آن جامعه فقیریاران نسبتاً ثروتمند رسول مقبول(ص) مانند حضرت ابوبکر صدیق؛ حضرت عثمان(رض) و دیگران بخش اعظم دارایی خود را وقف خرید و آزادی برده ها نمودند و در صورت خلاف ورزی از برخی مکلفیتهای دینی نیز از پیروان خود خواست که برده

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له را لیرلو مخکې په خیر و لولې

ای را آزاد بکنند و اینک من از جناب عالی می پرسم که اسلام چرا به آزادی بردگان علاقه داشت؟ دوست عزیز؛ یک فرد برای پذیرش اسلام سه صفت بایست میداشت:

اول - خُر یعنی آزاد بایست می بود و برای پذیرش اسلام اراده آزاد بایست میداشت و برده چون اراده آزاد نداشت اسلامش پذیرفته نبود.

دوم - بالغ بایست می بود تا مکلفیت های دینی خود را انجام میداد که کودک معنای مکلفیت را نمیداند.

سوم - نیز این که عاقل بایست می بود که دیوانه نیز معنای مکلفیت های دینی را نمیدانست. اگر حوصله و عشق برای کشف حقیقت داشتید در کتاب های فقهی جست و جو کنید که دیگر شیوه های آزادی برده و کنیز هم در اسلام وجود داشت یعنی أم الولد نیز به صورت طبیعی از کنیزی آزاد میشد. أم الولد کنیزی بود که از ارباب خود آبستن میشد و چون مادر یکی از فرزندان ارباب بود دیگر کنیز مانده نمیتوانست.

چه خوب است جناب افصلی که حقایق تاریخی را با معیار های عصر خود نسنجیم و معیار های همان عصر خودش را بدانیم.

بردگی یک نظام عمومی اقتصادی در عصر خود بود. اسلام از دیدگاه پرنسپ با این نظام مخالف بود اما امکان نداشت شب در میان این نظام را از میان ببرد. چرا این نظام به میان آمده بود؟ معمولاً در جنگها و یا هنگام اسارت گیری دشمنان خود را می گشتند چنانکه حزب دموکراتیک خلق و دیگران نیز گشتند و این جنگها شماره تولید کنندگان ثروت را کاهش میداد. نیاز اقتصادی فرمان صادر کرد که اسیران را نکشند و به کار بگمارند و چون کار برده مزدی نداشت کارش سبب رونق اقتصادی برده دار میشد به همین دلیل بود که برده خود به عنوان کالا ارزش پیدا کرد و کشتی های قدرتمندان را می دیدی که میرفتند و برده ها را شکار میکردند و در کشور های مختلف می فروختند و چنانکه امروز یک تراکتور را برای کار در زمین خود میخرند و کسی ایرادی نمیگیرد در آن روزگار به جای یک تراکتور صد برده می خریدید و هیچ کس هم عمل شان را محکوم نمیکرد ولی اکنون جناب عالی از یک سیستم جهانی فقط یک شریک این تجارت را محکوم می کنید. درست است که مسلمانان نیز از بازار برده فروشی برای رفع نیازهای اقتصادی برده میخریدند ولی چون دین شان با برده داری مخالف بود بردگان راه های گریز و رهایی داشتند یعنی مسلمان میشدند یا ارباب آنان را آزاد میکرد یا مسلمانی دیگر آزادی شان را، به هر صورت مسلمانان در راه الغای این سیستم اقتصادی پیشتاز دیگران بوده اند و هیچ کس این افتخار را نمیتواند از اسلام بگیرد که برای نخستین بار ندای آزادی بردگان را سر داده است. برای من بسیار قابل تعجب است آنانکه هزاران درخت رسیده و نهال های مثمر را در کشور خود از هستی ساقط کرده اند برای رونق بازار تعصب و کژاندیشی در مغز های خویش خارلجاجت میکارند اینان که جوالدوز کینه و دشمنی را به جان دیگران گرفته اند کاش خراش سوزنی را در پیکر خود مینمودند. اما داعش که هیچ رابطه عقیدتی با اصول اسلام ندارد در چپ نیز میتواند ریشه بدواند چنانکه افراطی ترین و خون آشام ترین چپی های دیروز با همان تعصب و خون آشامی در صف داعش و طالب رزم آرای کرده اند. آری:

پرستش در نهاد برهن است
اگر خسرو نباشد کوهکن است

گناه عشوه و ناز بتان چیست؟
نماید ناز شیرین بی خریدار

فاعتبروا یا اولی الابصار
نگارگر ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۸ برمنگهم